

توان شنیدن و گفتگو کردن

از همه عزیزانی که طی دو روز گذشته از طریق فیس بوک، تلگرام، تلفن و ایمیل، جویای احوال ما گشته و ابراز همدردی و همدلی کرده‌اند، صمیمانه سپاسگزارم. ضرب‌المثلی داریم در زبان فارسی بدین مضمون: «کسی را که خواب است می‌توان بیدار کرد، کسی را که خود را به خواب زده، نمی‌توان».

جماعت قلیل آشوب‌گر و مهاجم، پس از انتشار نوشته اخیر من، به شیوه رایج روزنامه «کیهان» تهران، به جعل و تحریف تمام قد حقیقت درباره جلسات اخیر تورنتو پرداختند. روی سخنم با این جماعت نیست، که خود را به خواب زده و توان شنیدن و گفتگو کردن و تحری حقیقت را ندارند؛ بلکه خوش دارند در پيله‌ای که به دور خود تنیده و با اوهام و تصوراتی که سال‌ها با آن مانوس‌اند، بسر برند و خود بگویند و خود بشنوند.

سطور تکمیلی را برای دوستانی که جزئیات ماجرا را جویا شده‌اند، می‌نویسم. خوشبختانه، در هر دو جلسه سخنرانی «فرار از مدرسه، گذار از وسوسه»، به گواهی تعداد افرادی که ثبت نام کرده و شرکت نمودند، بالغ بر ۹۶ نفر حضور داشتند. جلسه نقد و بررسی کتاب «ملت عشق» نیز در محل دیگری برگزار شد (محل برگزاری این جلسه، به سبب محدود و خصوصی بودن‌اش، پیش از شروع جلسات و بنابر تصمیم مسئولان «بنیاد سهروردی» و نه پیشنهاد مسئولان کتابخانه تغییر کرد).

از قضا، وقتی مسئولان کتابخانه Fairview متوجه شدند که سخنران این جلسات، دکتر عبدالکریم سروش، طی پانزده سال اخیر، استاد مهمان و مدعو دانشگاه‌های معتبر و تراز اولی چون هاروارد، پرینستون، ییل، استنفورد، جرج تاون ... بوده، همچنین از پیشینه علمی مدیر «بنیاد سهروردی» با خبر گشتند و متوجه شدند که راقم این سطور، دوره پسا - دکتری پنج ساله خود را در دانشگاه تورنتو گذارنده، course های «اسلام و حقوق بشر» و «اخلاق تطبیقی» را در دپارتمان «مطالعات تاریخی» تدریس کرده، در کنفرانس‌های دانشگاهی متعدد در اروپا و امریکای شمالی سخنرانی کرده، از اتفاقات رخ داده در شب نخست، صمیمانه ابراز تأسف کردند. نشست سوم که متکفل بحث و گفتگو پیرامون کتاب «ملت عشق» بود، پس از ایجاد مزاحمت دل‌آزار معترضان و شکسته و خرد شدن درب ورودی محل برگزاری جلسه، با حضور پلیس و ترک محل توسط گروه فشار، با یک ساعت تأخیر، با حضور تمامی متقاضیان و شرکت کنندگان، به نیکی برگزار شد؛ جلسه‌ای که بیش از ۲,۵ ساعت به درازا انجامید.

جماعت قلیل یاد شده که ظاهراً اوقات فراغت زیادی دارند و درگیر اشتغالات رایج زندگی در امریکای شمالی نیستند و به قول دوستی «پای کار و پیگیر» اند، با هجوم بردن به نشست‌هایی از سنخ سه جلسه اخیر، آدرس عوضی می‌دهند و دوغ و دوشاب را به هم می‌آمیزند و در پی احراز و ابراز هویت برای خویش‌اند. شرط تدبیر و عقلانیت در این میان این است که برای تأمین نظم و امنیت چنین محافلی از پلیس مدد گرفته شود. از این امر که در گذریم، بهتر است این جماعت کم‌شمار را به حال خود وا گذاشت و کار خویش را پی گرفت و به قول داستایفسکی، به ادامه دادن، ادامه داد، که :

هین تو کار خویش کن ای ارجمند

زود، کایشان ریش خود برمی‌کنند